



مہمندس عزت اللہ سحابی : -

هم مازشکل‌گیری قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری در کشور است آن شکل که
دین آن میرود و نوعی استناد جدید منجر شود

گرچه بلحاظ شکل با موارد قبلی که ذکر ش رحمت مشترک است بیم ما از شکل گیری قدرت سیاسی و نعمی گیری در کشور است آن شکل گیری که بیم آن میروند به نوعی استبداد جدید منجر شود. تردید نیست که در کشور ما انقلاب شده است، انقلاب یک تحول بنیادی و اجتماعی است، در همه شیوه‌های اجتماع اعم از سیاست، اقتصاد، فرهنگ، نظام اداری نظام تصمیم گیری، نظام اجرایی و... باید تغییر بنیادی صورت گیرد و شکل مناسب با ذات و ماهیت انقلاب را پس خود گیرد ذات و ماهیت انقلاب هم از یکطرف با ارزشها و آرمانها و موازین اخلاقی اش یا بطور خلاصه با ابدئولوژی و مکتب مشخص میشود، پس نظام سیاسی - اجتماعی - اقتصادی انقلاب حول محور مکتب یا نظام ارزشهای حامل انقلاب باید شکل گیرد. اما این ارزشهای مکتبی

هم بد وجد هنری و منعی دارند و یک وجه ادراری و عملی، وجه نظری و منعی ارزش‌های مکتب را اصول و فروع اسلامی شده و کتاب و سنت برداشت اممه معموم معلوم کردند ولی وجه عملی برداشته آن بمعنی آن میزان از حقایق مکتب که بواسطه مراجع و فقهاء و فهم و برداشت مشید و آن دسته از این برداشت‌ها که امکان پیاده شدن و تحقق برایش وجود دارد بستگی به شرایط استعداد و ظرفیت زمانه و مجریان امور دارد، مکتب بد ما می‌گوید که حاکم شرع یامحری یک قانون معین شرعی یا عرفی باید دارای حکومه صفاتی باشد یا بایک مسلمان متقدی باید چه صفات داشته و چه ضوابط و موازنی را رعایت کند. ولی اینکه جقدر از این ضوابط و صفات در افراد تحقق خارجی یافته است مربوط است به شرایط و تکامل جامعه. اینهاست که حدودی از آزادی عمل یا ... را باید پذیرفت و اگر بخواهیم دایره پذیرش افراد را در حوزه مکتب خلی نگیریم با برداشتها و استنتاجات خاصی را ملاک تشخیص و تمیز مکتبی از غیر مکتبی قرار دهیم،

بسیاری از مومنان به اسلام و انقلاب را از دایره برادری اسلامی کنار گزاردهایم و به وحدت و اخوت اسلامی که اصلی ترین اصل جامعه اسلامی است ضربه زدهایم. چند ماه پیش در روزنامه‌جمهوری اسلامی طی سرقاله‌ای تحت عنوان "دو خط" چنین آمده بود که در انقلاب ما دو خط مدعی رهبری اما راه حل این مشکلات:

اولین راهمل این است که اصل تمرکز قوای مختلف مملکت را بر منبا و حول برنامه بیدیریم.

راهمل دیگر این است که اعتقاد به تمرکز قوا داشته باشیم و در ضمن زیاد درست نیست که در این موقع و موقعیت رعایت نظام پارلمانی را بکنم.

دیگر اینکه مرکز مختص مانند: جهاد، سیاه، دادگاههای

بعد این مرازه بحث یک روحیه عقل و تدبیر و محاسبه و دقت در روحیه حاکم باشد: یکی روحیه عقل و تدبیر و محاسبه و دقت در فرهنگی و مراقبت و نظرات چه در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، همین عقل و تدبیر ایجاب میکند که مانع مراحل قائل باشیم و تفکر و اندیشه در غیر این انقلاب فرار بکیرد. روحیه سوم اینکه روحیه جذبی داشته باشیم به کسانیکه در این انقلاب نیستند (مسلمان لیبرال - مسلمان بی تفاوت) به اینها بصورت دشمن نگاه نکنیم، اینها را بشناسیم و درجه‌بندی بکنیم و با آنها رفتار بکنیم. بی تفاوتها را دوست و دشمن را بی تفاوت، سپس به دوست تبدیل کنیم. اگر ما این نکات را رعایت نکنیم و دیگر خطی نداده و

خداؤند خود هدایت میکند. اما در میان این بیم‌ها و نگرانی‌ها،
دلخوشی و امیدتان به چیست. ما قبل از پیروزی انقلاب شاهد
محنه‌های بودیم، مردمی که ۵۰ سال تبلیغ و سرکوب رزیم فاسد و
فاسدپرور بهلوی آنها را به زندگی مصرفی و الکوی زندگی غربی
معتاد کرده بود بدون آنکه لائق گار و کوشش و جدیت غربی را به
اینجا بیاورد، ۵۰ سالی کتمان فضای اجتماعی و سیاسی آن از درو
دیوارش گیری از خداپرستی و معنویت و یاکی و صفا هی بارید در این
سالهای اخیر قبل از پیروزی انقلاب این مردم به زندگی غربی زده
به زندگی دنیاپرستانه و خودپرستانه پشت کرد. بسوی ترک دنیا -
پرسنی و بسوی زندگی مذهبی رو کرده‌اند، صننه‌های را شاهد
بودیم که کاه. اشک شوق‌ها را جاری می‌ساخت. این بازگشت به اسلام
را یک نوع امریکامی تلقی می‌کنم و از نظر من اسلامی بودن انقلاب
مایه و یا بهماش همین است. چون مایه و پایه چنین بوده است پس
طبعاً با خدا و نظام آفرینش هم رابطه‌ای مشتبی و تکوینی دارد و به
اصطلاح اراده خداوند خداوند تعالی در پشت آن است. چند حادثه مقدمه
کوتنا که در این یکساله در این کشور اتفاق افتاد، مثل جریان طبس
و کودتای اخیر و جریان جمله بسقارت و غیره، شاید شاهدهای بر
این ادعا کا امده‌ها باشد. بینتر من امام خمینی نیز یکی دیگر از این
شاهدها است کمتر در تاریخ دیده‌ایم که فردی این چنین با قدرت
و نفوذ اخلاقی و معنوی در میان ملت بیاید و این قدرت و نفوذ یک
سره در خدمت حفظ و حراست و تثبیت انقلاب و اسلام بکار رود من
معتقدن امام خمینی امروز مظہر کاملی از صلابت و هیبت انقلاب
اسلامی در برای دشمنان است. من فکر میکنم امام را با خداوند
گرداننده زمین و آسمان رابطه‌ای نزدیک است و همین رابطه است که
فعلاً این انقلاب می‌باشد.

- یک پرادر کارمند از اقلیتیهای مذهبی اصفهان چنین میگوید: عدم رعایت اخلاق اسلامی در برخورد های مستولین مملکتی که بنظر من دشمنان اسلام و انقلاب را خرسد و دوستان آنرا در بلا تکلفی و بصورت سی تفاوت قرار داده و حتی مایوس میکند.

ج - از یک نظر نفوذ پارهای از عوامل مزدور و خودفروخته (انقلابی نماهای ضدانقلاب در لیساهای مختلف) در امور ملکت و ایجاد ناراضیتی در بین مردم و از طرفی خودمحوری و خودکامک افراد شناخته شده توطنده کر. امیدوارم بخواست خداوند رهنمودهای اخیر امام عزیزمات راه را برای پیشرفت سریع انقلاب در داخل و صدور آن بهجهان هموار سازد.

با برادر بلوغه و شهادت به صحبت نشتم. او نگرانی خود را از این ایرار داشت که سی صدر کارش به بن بست بکند و احیاناً استعفای کند و علت آن را در این می بینید که هنوز در سطح بالای مملکت نظام جمهوری جانیافتاده. و مسئولین بنی مدر را به عنوان رئیس جمهور

بادنش و تجریه با صلطاح روشنگر خود را از دست میدهد. دلخواه و غرور و انگاه مسئولان امروز این است که نواده‌های میلیونی مردم با ما هستند به اعتبار این حیات توده‌ای مرتبیاً صاحبان فکر و اندیشه سیاسی و اجتماعی و تخصصی و حق شناس را براند و کنار ردن امری خوش عافت نیست. فراموش نکنیم که تا سالهای ۴۰-۳۹ نواده مردم، بی خبر از اوضاع سیاسی در مقابل وزیر سابق یا ساكت بودند و یا حتی همکاری و استقالی هم داشتند. تنها یک عدد قليل از روشنگران مدھی و مبارز و صادق بودند که در برای رژیم ایسادگی کردند از ۴۰ تا اواخر ۴۱ شرایط سیاسی و اجتماعی سبب شد که نواده شهری کمی به اوضاع آشناشی و اعتنایات و از سال ۴۱ بدین بعد ورود روحانیت آکاه و مبارز به رهبری و پیشگامی امام خمینی این اوضاع را در این سیاست اسلامی تغییر داد.

سیی به سه مدت مخفیت و مبارزه بوده و سپسی مردم هم به صفت مخالفت و مبارزه کشیده شدند و معاذک بالنسیه به جمیعت کل روسنا و شهر اقلیت کوچکی بیشتر در کار مبارزه با رژیم نبودند و نبوده های ملیونی کارکر و کشاورز و مستضعفان یا مرغوب یا مجدوب دستگاه بودند ولی ۲۵ سال کار مداوم این اقلیب مبارز و فعال از یک طرف و اشتباهات و بی فکری ها و خیانتهای رژیم از سوی دیگر، بالآخره کار خود را کرد و نبوده های ملیونی را از سال ۵۶ به بعد علیه رژیم فاسد و جبار برآنگشت و درست سر امام خمینی سمع و تجیر نمود. بهر حال این اقلیب، مبارزان و مجاهدان بودند گه با آنها فداکاری و استقامت خود نبوده های ملیونی مردم را بیدار و بسیح گرداند.

اینها یکطرف اشتباهات و پویسیدگی نظام اقتصادی، اجتماعی و قادار سیاسی روزیم قبلی در طرف دیگر، زمینه انقلاب را آماده کرد. من در این جا زیر این قسمت دوم یعنی اشتباهات و پویسیدگی نظام اقتصادی، اجتماعی روزیم گذشته خطمه کشم. حال ما به آمده در- دست داشتن با برخوردار بودن از حمایت توده‌های میلیونی هرجه صاحب فکر و تحریه و اجتهاد سیاسی و اقتصادی است که از میکناریم و با آنها رفتاری میکیم که به صفت مخالف و صفت دشمن انقلاب اسلامی بیپوئند. غافل از اینکه این توده‌های میلیونی مردم یک مشی ثابت و لایزال ندارد.

نهادهای اقتصادی و سیاستی مانند اسلامی و مسکن‌گردانی و مسکن‌سازی، و می‌داند
آن دسته‌هایی است که در اثر اشتباهات سیاسی، اقتصادی ناراضی باید
با این تفاوت شدمانند شکل دهند؟ با خسارت به احتمال قریب به یقین مثبت
است می‌گویند که در آن موقع روحانیت بود که توهدهای مردم را بسیج
کرد و بحرکت فعل درآورد. این حقیقتی است انکارناپذیر که در
ایران این روحانیت بود و هنوز هم هست بسبب ویزگاهی فرهنگی و
زندگی اجتماعی از چنین قدرت برتری نسبت به سایر روشنفکران
برخوردار است ولی فراموش نکنیم که روحانیت تا قبل از انقلاب

اسلامی ذر موضع طبقه حاکم و مسئولیت امور اقتصادی و سیاسی اجتماعی کشور نبود و در زمینه فرهنگی هم بسبت رهبری بلامنازع را نداشت ولی امروز روحانیت - مسئولیت امور کشور را با تمام ابعادش بهمده گرفته و دارد، از این پس اگر برنامهای اقتصادی سیاسی یا اجتماعی و فرهنگی خدای نگرده دچار شکست و ضعفی شوند، روحانیت از مسئولیت میری نخواهد بود و اگر «قانوناً» باشد مردم و همان تعدد مردم مسئولیت آن را منتفی نخواهند داشت. پس اگر در تدبیت و استقرار این حمایت توده‌ای از طریق اقتصادی و عملی به دانش و تجربه و فن شناسی و شخص در طرح و اجرای برنامهای سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی جدیت نداشته و از طرف دیگر همان صاحبان تخصص و تجربه را ضایع و عاطل و زخم خورده و نقش باخته بازیم از بروز شرایطی که توده‌ها علیه نظام جمهوری شوروند یا تسلیم دشمنان نظام جمهوری اسلامی شوند در امان نخواهیم بود. بنابراین انتکاً و غرور به حمایت توده‌ها، بدون آنکه اولاً دردهای توده‌ها را بطور بنیادی و ریشه درمان کنیم، نه موضوعی و تکنیکی نهایی می‌نماییم بوده و با آموزش و تزیکه ارتقاء فکری و اخلاقی دهیم و ثالثاً برنامهای عملیاتی و خدماتی خود را به این توده تحت هدایت دانش و بینش و فن درآوریم امری خلوت - فربیانه است. و این یکی دیگر از موارد نگرانی عمده ما است که آن دیدش و وجودان را بخود مشغول میدارد. هدف و برنامهای عملی ما باید خدمت عميق و اساسی و درازمدت به توده‌های مردم مستعفف باشد و این به معنای تحریک دانشی توده‌ها و بالا بردن سطح خواست و تناقض و آگاه نگردن آنها به حقایق امور نیست انتکاً همیشگی به نظاهرات توده‌ها، در واقع استفاده کردن از آن است نه خدمت به توده‌ها. و اما بگران و سیمه دیگرها، محتفاء سیاست اجتماعی دارد،

- هموطن دیگری میگویند نگرانی از عدم اعتماد به همه، حتی افراد مومن و متدین بمانقلاب است من ریشاش را در وحشت از برخورد عقاید می بینم که بعد از انقلاب مقداری انحصار طلبی عامل آن بوده است و را داخل آنرا در میگردیدهای تلویزیونی منتشر کل از همه گروهها و سازمانها میدانم.

سر- امیدشما بدچیست؟

ج- اگر وضع به این حال پیش برود فقط معجزه میتواند ما را از بحران نجات دهد.

- گفت و شنودی دیگر داریم:

بدنهظر من مهتمرین مسئله موضع اقتصاد کشور است قیمتها دارد بسرعت بالا می برود. بدنبال هرچیزی اعم از خوارک و پوشاک که می روی ۳ یا ۴ بار قل است به قدر اینست. جمهور عربستان بخواهی اکنون به ۸۰

درصد رسیده فکر میکنم ریشتاب در احکام، کمبود مواد اولیه و تحریر اقتصادی است. تحریر اقتصادی خیلی مهم است من نمیگویم ما باید در پرا برای این موضوع زانو خم کنیم و تسلیم شویم، اما حداقل ذکری به حال دارو باید بتوش. برای حل کمبودها باید تولید را زیاد کنیم اما این سوال برای من پیش می‌اید که برای تهیه مواد اولیه چه باید بگنیم من از اینجا چه می‌دانم.

س- امید شما به چیست؟

ج- با اقتصاد دانان متوجه کشور مخصوصاً "رئیس جمهور عزیزمان" خواهی چنین نظر میدهد:

همه تربیت مسئله‌ای که موجب نگرانی اینجانب شده است فعله "مسئله مجلس است. جرا که وضع بعضی نمایندگان و اعتبارنامه آنها سخت توجه ملت را جلب کرد ماست و هنوز دلالت روشنی دال بورد یا نموب اعتمادنامه بعضی از نمایندگان به مردم ارائه ننمد است بد نظر من نمایندگان مجلس باید از رئیس جمهور کاملاً "بشتیبانی کنند

س- امید شما به چیست؟

ج - همید به حد مردم و سام ترویج‌های سیاسی است و پشتیبانی کامل مردم از رئیس جمهور. گفتو با تنی چند از مردم اصفهان

س - عمدت‌ترین نگرانی شما در رابطه با مسائل انقلاب جست

ج - نگرانی عده منبعان یکشرونده، انحراف انقلابی از معیارهای مکتبی است که کاپیش در جامعه بخصوص در دولت مردان

پیش‌ها و امیدها



اُرْشَمَارِه پیش

هشدارهایی مرتباً با خواست و شکنجهای نظمه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی پیش می‌آید و بنظر من همکی هشدارهای الهی هستند بد جانی تمیز و حنان این سیل عظیم جامعه، سیل دعوای قدرت سیاسی، سیل عمل زدگی و سیل سیاستی به تجارب و دانش و تخصص خروشان و جوشان پیش‌می‌رود که نجیب‌رک بجائی ترس فریاد انقلاب اسلامی ایران است و مظلوم‌ترین موجود امروزه روز در این سرزمین خود انقلاب اسلامی است که دوست و دشمن بجانش افداهاند یا بر آن غریبه و زخم می‌زندند یا از آن باج می‌ستانند. سیاری از مشکل‌ها از تکراری ضدآنقلاب و عدم شنبت و استقرار انقلاب بنویست چگی در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی افتاده‌اند و چون دستیاچگی آنها همراه با تفکر و نقد و تحلیل نیست لذا بضرر انقلاب و خودشان تمام می‌شود و حاصل همه نلاشها دشمن را پیش‌آوردن و زیانش را درازتر کردن و دوستان را به نامیدی و بی تفاوتی و بی تفاوتان را به دشمن و دشمنان را به جراحت و جارت و بیلیغ و تجاوز بیشتر کشاند است.

این نگرانی و تاکیدی که من روی اقتصاد و مالیه دارم موجب سوتفاهن شود که می‌گوئیم اقتصاد در جامعه اصل است و زیرین است. بدین‌گی است که اقتصاد و مادیات در زندگی یک فرد نباید هدف باشد برای یک حرکت سوسی خدا آن چیزی که باید تحت الشاع قرار کرده مادیات و دنیا برپر و خورد و خواب است برای فرد مسلمان سالک راه خدا جمع‌آوری مال و ثروت جز‌عنوان امانت خدا و سیله خدمت به خلق خدا معنای دیگری ندارد ولی در جمع و جامعه، منابع اقتصادی و مالی و روند تولید و توزیع شرطها و ارزشی‌ها مادی که موضوع علم اقتصاد است بعد و وجهی معنوی مباید و کوشای از تقوی در جامعه است و در این مورت است که حیله اصلی و محوری باید. کفیت تولید و خلق ارزش افزوده و تثروت و درآمد ملی و نحوه و کیفیت توزیع آن اینهای از نظام ارزشی و اخلاقی جامعه است. نشانده‌نهاد جهان بینی و تقوی از جامعه است، و از جانب دیکرستون حفاظت و فواید جامعه است اینکه خداوند تعالی در قرآن معرفه‌اید لاتون تعالیه اموالکم اللئي جعل الله لكم قیاماً، اموالتان را که خداوند عامل قوام و بقا شما قرار داده است بدست اختیار سفهاء نسبارید، حاکی از همین اهمیت و محوری بودن اقتصاد و مالیه است که بفرموده قرآن "تباستی" بدست می‌خوردان و فاقدان اندیشه و تجربه و عقل دانش سرده شوند. در قرآن درباره هیچ امر دیگری ما به جین تعبیر نمی‌خوریم. نتاباریان اقتصادیات را نمی‌توان از پریجه گرفت و مسائل اقتصادی اندکی طرافت و لطفات دارد که برای آن باید با تمام تجربه دنیا و بشریت آشنا بود. امروز درست حقده مقابل این دارد عمل مشهود سیاست بین‌ند و باری کامل اقتصادی و ریخت و باشی و هزینه و (ولو در راه حدمت به عموم و خدمات رفاهی عمومی) و کسی بکسر افزایش و کنترل محصول و توزیع درآمدها نیست، محصول ناخالص ملی در ۱۸ ماهه انقلاب جد به سرش آمده است؟ و درآمد آن و ارزش افزوده حاصله، به جب کدام قسی از جامعه رفته است؟ آیا روند اقتصادی، مالی ۱۸ ماهه کذشنه درجهت وابستگی بیشتر بوده است یا یک؟ اینها همه مهتمین موارد ازمانی انقلاب است چه کسی به اینها باش میدهد؟ کدام دستکار است که متول این مراقبتها و مجازات و نظارت‌ها است. حال ما می‌خواهیم با میخواهند دستکاری را که با همه عیب و نقص عمومی، بوروکراسی که دارد لااقل محرزنی و گنجینه‌ای از تجارت سی‌ساله برنامه‌بری اقتصادی ایران و جهان است بیاد فنا بدنه‌ند یا صاحبان تجربه و دانش را بدست پاکسازی می‌سازند یا در اثر جو غالب موجود خود کار شناسان می‌آیند و با التمساص تضاضی یا انتشستگی مکنند تا بروند و این محبیت، خالی از اندیشه و تجربه و کارشناسی شود. بدین ترتیب کدام دستکار است که سود میرد؟ انقلاب و جمهوری یا گذشت آنقلاب؟ استعما، شرق و غرب و بختیار و عالمه و نکار. خانه‌ای که گفت بسطه

بیمه ها و امیدهای مودم

برای نظرخواهی در زمینه بیمهها و امیدها سعی مادراین بوده که علاوه بر مستولین ملکتی و مردم تهران، هموطنان دیگر مادر شهر-ستانها نیز عقايد خود را باز دارند. چرا که در گستردگی بیشتر امکان دستیابی به حقیقت زیادتر است. باعقاد چندتن از همدانیهای عزیز آشنا میشوند:

- مسائلی که انقلاب اسلامی ایران با آن درگیر است عبارت است از نبرد سردو گرم با امیریالیست شرق و غرب و ایادی آن در داخل است که منافع شان به خطر افتاده، بعد دخالت بیجا و بیمورود گروههای پوشالی در امور سیاسی مملکت، عدم کارآیی بعضی از دست اندکاران ملکتی، حمایت نکردن بعضی از گروهها و عنصر دولتی از رئیس جمهور و فرست طلبی حزبها نزدیک و دخالت بیموردن آنها در مجلس شورای اسلامی.

س- ریشه و خلل آن چیست؟

ج- عدم کارآئی دست اندکاران ملکتی و نداشتن تفاهم در بعضی از مسائل و دخالت بیمورود در کارهای که به دیگری مربوط است و باعث تضییف رئیس جمهور میگردد عدم احساس مسئولیت در بعضی ادارات و وزارتخانهای مملکت.

س- چه راه حلی پیشنهاد میکنید؟

ج- بکارگاردن اشخاص لایق و صدیق به انقلاب و رهبر و رئیس جمهور در رابطه تفاهم کلی با همدیگر و اتحاد و یکپارچگی در مجلس شورای اسلامی، بررسی دقیق مسائل در مجلس، اهمیت دادن به مفاسد مملکت که معمده ترین مسئله است و عامل بوجود آمدن جو غیر امنیت و باشد، حمایت از امانه اند. انقلاب - همکار - با جوانان

